

در بوته نقد

یک پای مزاحم رئالیستی



محمدحسن خدایی

● گویا این روزها زیست و زمانه مردمان، بیش‌ازپیش ملهم از فضای مجازی و البته سوءتفاهم‌هایش است؛ وضعیتی که به شکل خلاقانه در نمایش «پا» روایت می‌شود. زن‌وشوهری که به عادت هرروزه، با دوست خود که زنی مهاجرت‌کرده به لندن است، از طریق اسکایپ تماس تصویری برقرار کرده و این‌بار میانشان اختلاف افتاده که آیا در گوشه اتاق و کنار گلدان، پای مردی غریبه را دیده‌اند یا موکت جمع‌شده را؟! اگر در تصویر اسکایپی، پا بوده باشد، آیا این نشانی است از خیانت زن به شوهر غایب خود؟ نمایش با روایت عدم توافق در جزئیات کوچک است که چگونه مسبب شکایتی تمام‌عیار در قبال مناسبات خانوادگی شده و آن را تا مرز فروپاشی به پیش می‌برد. نمایش پا، همچنین تأکیدی است بر بحرانی‌شدن نسبت ما با واقعیت زندگی روزمره، آن‌هم به میانجی فضایی که به تسخیر رسانه‌های مجازی درآمده. می‌دانیم که پیش‌فرض‌ها درک ما از جهان را تغییر داده و قضاوت را تحت‌تاثیر خود درمی‌آورند. از یک منظر پدیدارشناختی، برای ادراک اشیا، باید بی‌واسطه به خود آنان رجوع کرد، آن‌هم با ایوخته‌کردن پیش‌فرض‌ها، اما در نمایش پا، می‌توان دشواری این رویکرد را مشاهده کرد و به چشم‌اندازی اشاره کرد که هرکس امکان آن را می‌یابد که از آنجا بر ابژه‌ها نظر کند. حال اگر این چشم‌انداز با فضای مجازی درهم آمیزد، با واقعیتی مجازی‌شده روبه‌رو خواهیم بود که درک ما را از اشیا، انسان و مناسبات مادی‌اش، مدام تغییر می‌دهد.

آرمین حمدی‌پور در مقام نویسنده، طراح و کارگردان، لحنی بازگوشانه اختیار کرده و طنزی قابل اعتنا ساخته است. علاوه‌بر زن‌وشوهر که اغلب در اتاق حاضرند و بر سر مسائل پیش‌آمده، جروبِحث می‌کنند، یک نصاب ماهواره و دخترک همسایه، شخصیت‌هایی هستند که به تاووب با ورود و خروچشان، از اجرا ملال‌زدایی کرده و فضایی طازانه می‌سازند. هر دوی آنها در مقام «دیگری»، با گفتار و کنش خود، بر ادراک ما از واقعیت تأثیر گذاشته و به‌نوعی آن را به چالش می‌کشند. آنان حاشیه‌ای و غیرمنتظره‌اند، اما مانند نوری هستند که در تاریکی بر ما می‌تابند. دیزمانی است که تئاتر ما، نسبت به حضور «دیگری» بی‌توجه است و از امکان‌های آن محروم. نمایش پا، گشوده به «دیگری» است؛ دیگری مانند امری نامنتظر.

رویکرد فلسفی اجرا، سبکی گراست. گویا در زمانه‌ای به‌سر می‌بریم که حتی افراد نزدیک به‌هم، تلقی مشترکی از واقعیت ندارند و مدام باید جزئیات را واکاوید و از چشم‌اندازی تازه به ماجرا نگریست تا امکان فهم مهیا شود. بنابراین اجرا به دو تکه تقسیم شده تا روایتگر دو طرف ماجرا باشد؛ هم از منظر زن که بازیگر است و عاشق اتودزدن و هم از منظر مرد که داور و کارشناس فوتبال است. هر دو نفر ذهنی جزئی‌نگر دارند. مرد که پای راستش در مسابقه فوتبال صدمه دیده، اغلب مانند یک کارشناس خبره فوتبال ظاهر شده و گفتارش یادآور کارشناس برنامه‌های تلویزیونی ورزشی است. اما از بینش از آنکه به گفتار و استدلال تکیه کند، مدام در پی اجرای تئاتری ماجراست. تقابل این دو رویکرد، جذاب است و دیالکتیکی، اما هر دو نفر از یاد نمی‌برند که می‌توان از رویکرد طرف مقابل استفاده کرد و منطق خود را پیش برد. چه استدلال‌گرایی و چه اتودزدن تئاتری، در نهایت بیانگر این است که چگونه عدم تفاهم در جزئیات، می‌تواند نشانی باشد از شکاف‌های عمیق و بی‌وفایی‌های مهلک.

نمایش پا در باب فضای مجازی است؛ فضایی که در آن می‌توان زُست تکرر گرفت و با تکنولوژی، تمنای تغییر همه‌چیز را داشت. آرمین حمدی‌پور با رویکردی نسبی‌نگرا، اجرائی دویاره بر صحنه آورده است. تو گویی هر تکه، اتودی است بر تکه قبلی یا بعدی؛ توهمی از تکرر که می‌توان تا ابد ادامه‌اش داد. اگر که تفاهم بر سر واقعیت ناممکن شده باشد و اجرای تئاتری از آن، امکانی برای مفاهمه و ادراک، نمایش پا، در نقد تکنولوژی، اما تکنولوژی‌زده نیست و با روایتی دقیق، بازی‌های بهیادماندنی و خلق فضایی مینی‌مال، صدای تازه‌ای است برای تئاتر این روزها کم‌رمق ما؛ نمایشی که به میانجی حضور در اولین جشنواره تئاتر شهزاد، امکان اجرای عموم و مواجهه با مخاطبان پانیاخت را یافت. بو اینکه گروه اجرائی از فضای آکادمیک تئاتر شیراز می‌آید و پیش از آنکه به فضای حرفه‌ای متعلق باشد، از تئاتر دانشگاهی برآمده و همچنان امیدبخش است؛ با بازی خوب پویان فریدونی، نگین تهمتن، فرزاد نام‌آوری، حانیه رضایی و رعنا شبانکاره.



در روزگاری که صحنه‌های تئاتر ما، با هویت‌باختگی قریبی دست‌به‌گریباند، در روزگاری که اکثریت قریب‌به‌اتفاق فعالان و دغدغه‌مندان واقعی فرهنگ این مرز و بوم، امید خود را به آینده تئاتر کشور از دست داده‌اند، مواجهه هر از گاهی با آثار چشم‌نواز، فرهنگ‌ساز و تکان‌دهنده‌ای نظیر «ریچارد سوم اجرا نمی‌شود»، با ترجمه ستایش‌برانگیز اصغر نوری و دراماتورژی و کارگردانی روح‌الله جعفری، چندان غیرمنتظره جلوه می‌کند که آدمی می‌ماند برای قدردانی از مجربانشان چه روشی در پیش بگیرد تا سخشن صرفا واکنش ذوقی و شخصی یک دوست یا یک منتقد نسبت به یک اثر خاص تلقی نشود و از آنجایی که این روزها، برخلاف حتی یک دهه پیش، هیچ کاری از عهده یادداشت‌های مطبوعاتی و حتی از نقدهای تخصصی برای تقویت یک جریان یا یک رویکرد خاص در تئاتر یا حتی تمهید زمان یک اجرای موفق برنی‌آید، نگارنده مانده است از چه زبان یا ادبیاتی استفاده کند تا بتواند به خانه تئاتر بقبولاند که حداقل برای دفاع از حیثیت تئاتر کشور هم که شده، در این‌گونه موارد با همه قوا وارد میدان شود و حمایت مسئولانه‌تر نهادهای مدعی مسئولیت فرهنگی از این نوع تئاترهای فرهنگ‌ساز را به‌طور جد خواستار شود.

به گمان من، در شرایط تأسف‌بار تئاتر امروز ما که این روزها دیگر، برخلاف ۱۵، ۱۰ سال پیش، کمتر کسی از اهالی تئاتر است که به آن معتز نباشد، این فقط خانه تئاتر است که می‌تواند با ورود جدی خود به عرصه، چارساز وضعیت ناسامان موجود شود و به همین سبب هم ترجیح داده‌ام به جای نگارش یک یادداشت یا نقدی ستایشگرانه درباره این اثر، پیشنهادهایی را در حد توان خود برای اثربخشی بیشتر خانه تئاتر بر سرنوشت تئاتر کشورمان ارائه دهم تا مگر این‌ خانه و مدیریت آن را از گزند نقدهای تند آینده در امان بدارم؛ چه، دور نمی‌بینم زمانی را که خود این خانه و مدیریت آن، به هدف نقدهای تند و گزنده منتقدان وضعیت موجود تئاتر ما تبدیل شود.

اولین پیشنهاد من برای ورود تُمربخش این خانه به حیات واقعی تئاتر کشورمان، برنامه‌ریزی جدی برای برگزاری نشست‌های تخصصی درباره تجربه‌های نادر موقفی نظیر نمایش موضوع این نوشتار در همه طول سال است. این خانه باید به رسم معمول همه نهادهای صنفی مشابه خود در جوامع پیشرفته، برنامه‌هایی جدی برای حمایت از آثار به‌لحاظ فرهنگی سازنده در سطح ملی داشته باشد تا کنشگران متعهد تئاتر کشور، با احساس امنیت بیشتری به حیات خلاقه خود ادامه دهند و با اطمینان افزون‌تری رنج ورود به عرصه تئاتر متعهد و فرهنگ‌ساز را بر خود هموار کنند.

دومین پیشنهاد من به این خانه به‌عنوان مرجع تخصصی تئاتر کشور، برگزاری پیوسته نشست‌های تخصصی برای نقد و بررسی آثار بی‌هویت و فرصت‌طلب و مخربی است که به قول پیتز بروک، حاصل چیزی جز نقص دانش تئاتری نیستند و به‌هیچ‌وجه صلحت نیست به میدان‌داری‌های فرصت‌طلبانه خود، تمایت‌داشته‌های تئاتر کشور را به تباهی بکشانند. بنابراین خانه تئاتر باید برای نقد روش‌های مخرب متداول‌شده این روزها در تئاتر ما و تقویت ظرفیت‌های تحول‌طلب موجود – نظیر اثر مورد بحث این نوشتار- که متأسفانه هر ساله از تعداد آنها کاسته می‌شود، برنامه فراگیر در سطح

نگاهی به نمایش «ریچارد سوم اجرا نمی‌شود» به دراماتورژی و کارگردانی روح‌الله جعفری

تئاتر فرهنگ‌ساز هنوز در ایران زنده است

محمد چینی‌فروشان . عضو کانون ملی منتقدان



علی‌ساز سسلانی. هنر آتلیان

این نمایش‌نامه پیشنهاد می‌کند- راهی برای ترکیه نفوس مردمان این‌گونه جوامع و حتی پیشگیری از قرارگرفتن سایر ملت‌ها در شرایط مشابه است. به عبارت دیگر، از آنجا که اکثریت مردمان این جوامع، حتی بعد از فروپاشی، همچنان بیمار باقی می‌مانند، ماتئی ویسنی‌نیک نوعی درام درمانی، به‌واسطه تراژدی‌های گروتسک ابداعی خود را برای درمان آسم تجویز می‌کند که می‌تواند به‌واسطه همدات‌پنداری، از طریق نقد واژگونه دیدگاه‌ها، زمینه درمان ذهنی، روحی و روانی این مردمان را فراهم کند؛ نوعی از درام‌پردازی که می‌تواند همچنین، بهترین راه مقابله با موجی تلقی شود که امروزه در اکثر نقاط جهان در حال گسترش است. استقبال کم‌نظیر جهانیان از آثار ماتئی ویسنی‌نیک، به‌ویژه نمایش‌نامه «ریچارد سوم اجرا نمی‌شود» او نیز برهمین اساس قابل تفسیر و تحلیل است.

او ثابت می‌کند که مؤثرترین راه مبارزه با موج جدید سیاست‌ورزی‌های یادشده در دوران جدید که برخلاف دوران کلاسیک، نه‌فقط منابع مادی که حتی ذهن و خرد مردمان سرزمین‌های تحت سلطه را نیز در اختیار خود می‌خواهند، بازسازی و بازنمایی زیبایی‌شناسانه و دراماتوزیک زندگی روحی-روانی قربانیان در قالب تراژدی‌های سوررئالیستیک غیرمتمرکز

است که قادرند لایه‌های پنهان و ناشناخته چنین جوامعی را برای عامه قربانیان ناگاه آنها برملا کنند. ماتئی ویسنی‌نیک، بنابر تجربیات خود از دوران کمونیسم و آگاهی از تحولات ایدئولوژیک به‌وقوع‌پیوسته در اروپای نیمه اول قرن بیستم و خاورمیانه امروز است که در این نمایش‌نامه، در پوشش مکاشفات میرهولد از واقعیت‌های زمانه خود و به زبان او، خطاب به ریچارد سوم، سیاست‌ورزی‌های عصر مدرن را در قیاس با سیاست‌ورزی‌های مستبدانه عصر کلاسیک، این‌گونه توصیف می‌کند: «تو نشانه چیزی هستی که انسان از دست داده؛ شر مستقیم صداقانه و خالص. امروز، شر لباس وعده بهترین دنیا رو به تن کرده. امروز شر فقط نمی‌خواد جمعیت روز ریز سلطه‌ش دربیاره، می‌خواد جمعیت ستایشش هم بکن. شر امروز می‌خواد تو سر مردم هم باشه و اون‌ها رو از درون کنترل کنه. شر امروز حتی از طاعون زمان تو هم بدتره... از درون همه مغزهاست که شر امروز قدرتش رو تقذیه می‌کنه... ریچارد...»

ماتئی ویسنی‌نیک، در این نمایش‌نامه، آخرین دقیق حیات تراژیک وِسلود میرهولد، کارگردان روس و نظریه‌پرداز بزرگ تئاتر قرن بیستم در زندان و لحظاتی پیش از اعدامش به دستور ژوزف استالین، در سال ۱۹۴۰ را با رویکردی کابوس‌وار و هنجارگریز و ساختاری سیال، چندپاره و غیرمتمرکز به‌گونه‌ای ترسیم کرده است که در آن جوهره کارکرد هنر تئاتر در جامعه و چرایی تامل همیشه سیاست-نه به معنای هنر تعادل‌بخشی به مناسبات بشری، بلکه به مثابه هنر کنیه‌ورزی و گسترش نفاق در جهان انسانی- با آن به روشن‌ترین و تأثیرگذارترین وجه ممکن، آن‌هم به زبان عوام‌سرکوب رژیم کمونیستی سابق شور، بازگو می‌شود: «شما داروان تاریخن... شما قدرت فسادناپذیر

خلقین... شما خوب می‌تونین آدم رو وادار کنین به صدای درون‌تون گوش کنه، رفیق استاد هنرمند... فقط صدای درون حقیقت رو میگه».

ماتئی ویسنی‌نیک با محور قراردادن درگیری‌های ذهنی میرهولد در زندان و ناشی از سرگیجه او وضعیتی که گرفتار آن شده است، تصویر روشنی از افکار و اندیشه‌های انقلابی و تحول‌خواهانه او و ماهیت تقابل رژیم کمونیستی با این نظریه‌پرداز تئاتر انقلاب ارائه می‌دهد. ویسنی‌نیک، از طریق نفوذ به ذهن تحول‌خواه و انقلابی میرهولد، هنرمند نوگرایی که به پشتوانه شعارهای انقلاب در پی ارائه تعریف انقلابی تازه‌ای از هنر، انسان و جامعه انسانی بود، به بازسازی و تفسیر نهادهای انقلابی با او می‌پردازد و نشان می‌دهد که چه تفاوت عمیقی میان مفهوم انقلاب از منظر سیاست و مفهوم انقلاب از منظر هنر و هنرمند اصیل و متعهد در برابر اجتماع، وجود دارد. این مکاشفه در کنار چینش هنجارگریز، پرتناقض رویدادها، چنانچه ویژگی گروتسک است، چنان هیولایی از ماهیت و کارکرد ایدئولوژی در جامعه می‌آفریند که حتی مدافعان آن را نیز به وحشت و تبری وامی‌دارد و همین ساختار هنجارگریز و کابوس‌وار است که جنبه‌های واپس‌گرایانه و بازدارنده ایدئولوژی در جامعه انسانی را از طریق جابه‌جایی و اغراق در روایت، برجسته می‌کند. از مظاهر آشکار این شیوه روایت‌پردازی می‌توان به عادی جلوه‌دادن غیرعادی‌ها (تأثیرپذیری جنین از جامعه و توانایی سخن‌گفتن آن، تناقض در رفتارها و گفتارها (جنگ دیوانه‌وار هنرمند با خود و محبت‌ورزی و آشتی‌جویی عوام‌فریبانه عوامل سرکوب با او) فروپاشی تمام‌وکمال مرزهای خصوصی و عمومی (تا حد تبدیل همسر و پدرمادر، و نوزاد به عوامل شکنجه و سانسور نهاد قدرت)، آشفتگی زمانی و مکانی رویدادها (داخلی رؤیاگون زمان‌ها و مکان‌ها) و در نتیجه، فروپاشی مرزهای عقلانیت و منطق از رابطه میان مخاطب و متن اشاره کرد و در این رویکرد واژگونه و گروتسک است که خواننده و مخاطب نمایش‌نامه، دُرخیمان و عوامل سرکوب را هم‌زمان، هم ترجم‌انگیز و هم دشتناک می‌یابد و این همان جادوی ترکیب‌ای است که هر خواننده‌ای را نیز تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. سرنگهپان: «من هیچ دلم نمی‌خواد بدونم چه کاری علیه دولت کرده‌ای، ولی این رو مثل به برادر بهمت می‌گم؛ این کارها آخر و عاقبت نداره، من رو ببین، نه خوندن بلدمن، نه نوشتن... ولی هیچ‌وقت هیچ‌کاری علیه دولت نکردم، برای همینه که تونستم این پست رو گیر بیارم».

درباره‌اجرا

اجرای روح‌الله جعفری از این‌ نمایش‌نامه، صرفا یک اجرای صادقانه از یک نمایش‌نامه معاصر نیست، بلکه اجرائی سرشار از وجدان و شعور هنری کم‌نظیری است که ذهن و قلب مخاطب را به‌شدت تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. این اجرا، از وجود ظرفیت‌های خلاقه در نسلی خبر می‌دهد که غبار روزگار، هنوز نتوانسته است چشم حقیقت‌بین تمایت‌ات آن را به طمع فرصت‌های حقیر نام و نان، مکدر و تیره‌وتار کند. روح‌الله جعفری به‌عنوان کارگردان، با توجه به ضرورت‌های زمانی و مکانی اجرا و بسا انکار مغلطه‌های رایج در حوزه‌های مربوط به دراماتورژی که در یک دهه اخیر، صحنه‌های تئاتر ما را به بازیگاه انواع فرصت‌طلبی‌های تحقیر تبدیل کرده، مفهوم و کارکردی از دراماتورژی را در اجرای این نمایش‌نامه به منصف ظهور رسانده است که جدای دارد در مجامع دانشگاهی، مورد بحث و بررسی جدی قرار بگیرد. روح‌الله جعفری در مقام دراماتورژ، ضمن تبعیت بی‌چون‌وچرا از ایده‌های درونی متن، همه امکانات صحنه چارسو و ظرفیت‌های گروه را در خدمت جان‌بخشی مضاعف به مفاهیم متن قرار داده است، به‌گونه‌ای که مجموعه‌های مختلف دراماتورژیک او در متن را می‌توان به پیشنهادهای موقعیت‌شناسانه هنرمند برای تأثیرگذاری عمیق‌تر مفاهیم مورد نظر نویسنده در شرایط ویژه اجرا، تفسیر و تأویل کرد. برای مثال، روح‌الله جعفری با جابه‌جایی محل تماشای تالار چارسو و بهره‌برداری خلاقانه از ورودها و خروج‌های آن، تمامی امکانات تالار را به پرده عریض سینمایی زنده‌ای تبدیل کرده است که به بهترین نحو ممکن در خدمت بازنمایی خیالات و اوهام ذهنی میرهولد و مواجهه مستقیم تماشاگر با تصورات ذهنی بیمارگون او قرار گرفته است. به‌علاوه، تغییراتی که روح‌الله جعفری در مقام دراماتورژ در صحنه‌های مختلف نمایش اجرا کرده، عمق‌ات را به مدت ۵۰ دقیقه برای مخاطب کودک و نوجوان را به مدت ۵۰ دقیقه اجرا کرد. «عمارت ابلانی، نو‌بوار را به مدت ۵۰ دقیقه تئاتر هفدهم عروسکی

تئاتر عروسکی ما را به دیگران بشناساند. «منو نمی‌بهر» عنوان نمایشی است برای مخاطبان نوجوان و بزرگ‌سال که به نویسندگی و کارگردانی زهرا صبری اجرا شده است؛ نمایشی که می‌خواهد سلسله‌تکرر برای نوجوانان و کشفی تازه برای بزرگسالان باشد. نوجوانان در آغاز بلوغ جنسی و تفکرند و می‌طلبد که در این دوره بحرانی در مواجهه با موضوعات خاص این دوران به راحتی بتوانند در حل‌وفصل آنها بکوشند. افسانه زمانی نمایش «ترنج» با تکنیک نمایش تلفیقی برای مخاطب کودک و نوجوان را به مدت ۵۰ دقیقه اجرا کرد. «عمارت ابلانی، نو‌بوار را به مدت ۵۰ دقیقه تئاتر هفدهم عروسکی

تئاتر عروسکی ما را به دیگران بشناساند. «منو نمی‌بهر» عنوان نمایشی است برای مخاطبان نوجوان و بزرگ‌سال که به نویسندگی و کارگردانی زهرا صبری اجرا شده است؛ نمایشی که می‌خواهد سلسله‌تکرر برای نوجوانان و کشفی تازه برای بزرگسالان باشد. نوجوانان در آغاز بلوغ جنسی و تفکرند و می‌طلبد که در این دوره بحرانی در مواجهه با موضوعات خاص این دوران به راحتی بتوانند در حل‌وفصل آنها بکوشند. افسانه زمانی نمایش «ترنج» با تکنیک نمایش تلفیقی برای مخاطب کودک و نوجوان را به مدت ۵۰ دقیقه اجرا کرد. «عمارت ابلانی، نو‌بوار را به مدت ۵۰ دقیقه تئاتر هفدهم عروسکی

تئاتر عروسکی ما را به دیگران بشناساند. «منو نمی‌بهر» عنوان نمایشی است برای مخاطبان نوجوان و بزرگ‌سال که به نویسندگی، طراحی و کارگردانی افسانه زمانی و به‌عنوان تولیدی از مدرسه سینما-تئاتر هنر فتمن از جمله نمایش‌هایی است که در بخش دانش‌آموزی هفدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران - مبارک روی صحنه رفت. می‌رود که...».

نمایش «خواب ربا» بر اساس قصه‌های شل سلور استاین، به نویسندگی، طراحی و کارگردانی افسانه زمانی و به‌عنوان تولیدی از مدرسه سینما-تئاتر هنر فتمن از جمله نمایش‌هایی است که در بخش دانش‌آموزی هفدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران - مبارک روی صحنه رفت.

سه‌شنبه ۱۳ شهریور ۱۳۹۷

روی صحنه آبی

حاضران و غایبان جشنواره هفدهم عروسکی



رضا آشتیانه

● اگر هنرمندان نام‌آشنا در جشنواره هفدهم تئاتر عروسکی نبودند، حتما با خلا ملموس‌تری روبه‌رو می‌شدیم. در جشنواره هفدهم تئاتر عروسکی تهران- مبارک شاهد چند اجرای ایرانی از میان آثار بزرگان و شناخته‌شده‌های تئاتر عروسکی بودیم که بیش از این برخی در تالارهای تهران اجرا شده‌اند و برخی نیز برای نخستین‌بار در جشنواره عروسکی اجرا شدند، اما تعداد این هنرمندان نسبت به همه چهره‌های شناخته‌شده و تثبیت‌شده شاید کم باشد؛ اما همین تعداد هم با کارهای باکیفیت معرف فضای تئاتر عروسکی در حدی پذیرفتنی هستند. در میان چهره‌های تئاتر عروسکی، بهروز غریب‌پور، زهرا صبری، میترا کریم‌خانی، افسانه زمانی و میثم یوسفی آثارشان در تهران پیش از این اجرا شده‌اند و درمقابل عادل بزدوده، هما جدیکار و باز هم افسانه زمانی نمایش‌های تازه‌ای را ویژه جشنواره اجرا کردند. شاید حضور فریا رئیسی، آذر مبارکی، روشک روش، آزاده انصاری، محمد اعلمی، زهره بهروزنی‌یا، محمدحسن معجونی، مریم کاظمی، شیوا مسعودی، افشین هاشمی، پویک عظیم‌پور، غزل اسکندر نژاد، هادی حجازی‌فر و الکا هدایت که در این سال‌ها حضور خلاق‌ای در تئاتر عروسکی داشته‌اند ما را متوجه یک وضعیت بهتر از حال‌حاضر می‌کرد؛ هر چند چنین ایده‌ای را راحتی محقق نخواهد شد چون تئاتر عروسکی هزینه‌بر است و بدون حمایت به راحتی نمی‌توان در تولید اقدامی کرد و از آن‌سو نیز سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی برای چنین تئاتری هنوز تبدیل به امری سهل‌الوصول نشده است.

به‌هرتقدیر می‌دانیم که راه دشواری است که هر هنرمندی بتواند به نام‌وتشانی درخور تامل برسد و نگهداری و حضور آنان که دیگر جزء سرمایه‌های ملی و فرهنگی به شمار می‌آیند، از وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد است که بشود همواره بر این حضور خلاقه برای پویایی فرهنگ و هنر کشور تأکید ورزید. چنانچه اگر همین ماه‌ها نیز در جشنواره هفدهم عروسکی می‌تواند رویدادی رخ دهد، می‌تواند رویدادی باشد که در ادامه به آثار این‌ هنرمندان شناخته‌شده در جشنواره تهران- مبارک پرداخته می‌شود؛ ابزای عروسکی خیام یکی دیگر از آفرینش‌های بنیادین بهروز غریب‌پور است که می‌تواند بیانگر ابراهای عروسکی هشت‌گانه‌ای باشد که به اینجای مسیری را پیموده است که می‌تواند رویدادی نیز باشد که در جهان تئاتر عروسکی بی‌بدیل است. از یک سو شیوه ماریونت یا عروسک نخی اروپایی در سرزمین ایران سمت‌وسویی انجلبایی یافته است. از سوی دیگر نیز تکنیک سایه‌بازی در مصاف با سینما و در برخورداری از حس جادویی فانوس خیال به عصری افسون‌گرانه در مدار اتفاقات هنری جهان ما را متوجه درخششی مانند آفتاب و مهتاب خواهد کرد.

«اسرار کتاب قرمز» نمایش عروسکی نوشته و کار عادل بزوده است که با تکنیک سایه‌ای تمام ماجراهای زندگی روزمره را روایت می‌کند. داستان، نمایشش زیر دردا اتفاقی می‌افتد. نوجوانی به نام آذرخش که بعدها قرار است فرمانده زیر دریا شود، دوست دارد سریع‌تر به قدرت برسد، اما پدرش مراقب است او آرام‌آرام به تکامل برسد و سپس مسئولیت را قبول کند.

هما جدیکار به درستی دارد از نمایش‌های سنتی ایران و منسروق‌زمین برای به‌روز‌بوندن نمایش این روزها بهره‌وری کرد و زبان حال اجرایش ما را شگفت‌زده می‌کند و درک درستی از جوجه انتقادی نمایش‌های سنتی ایران را در کلیت اجرایش جاری می‌کند که دست‌میزباد دارد.

زهرا صبری در این سال‌ها حضور مؤثری در عرصه بین‌المللی داشته و توانسته نامبندۀ خلاق‌ی برای ایران باشد که بتواند بخشی از موفقیت‌های تئاتر عروسکی ما را به دیگران بشناساند.

«منو نمی‌بهر» عنوان نمایشی است برای مخاطبان نوجوان و بزرگ‌سال که به نویسندگی و کارگردانی زهرا صبری اجرا شده است؛ نمایشی که می‌خواهد سلسله‌تکرر برای نوجوانان و کشفی تازه برای بزرگسالان باشد. نوجوانان در آغاز بلوغ جنسی و تفکرند و می‌طلبد که در این دوره بحرانی در مواجهه با موضوعات خاص این دوران به راحتی بتوانند در حل‌وفصل آنها بکوشند. افسانه زمانی نمایش «ترنج» با تکنیک نمایش تلفیقی برای مخاطب کودک و نوجوان را به مدت ۵۰ دقیقه اجرا کرد. «عمارت ابلانی، نو‌بوار را به مدت ۵۰ دقیقه تئاتر هفدهم عروسکی

تئاتر عروسکی ما را به دیگران بشناساند. «منو نمی‌بهر» عنوان نمایشی است برای مخاطبان نوجوان و بزرگ‌سال که به نویسندگی، طراحی و کارگردانی افسانه زمانی و به‌عنوان تولیدی از مدرسه سینما-تئاتر هنر فتمن از جمله نمایش‌هایی است که در بخش دانش‌آموزی هفدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران - مبارک روی صحنه رفت. می‌رود که...».

نمایش «خواب ربا» بر اساس قصه‌های شل سلور استاین، به نویسندگی، طراحی و کارگردانی افسانه زمانی و به‌عنوان تولیدی از مدرسه سینما-تئاتر هنر فتمن از جمله نمایش‌هایی است که در بخش دانش‌آموزی هفدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران - مبارک روی صحنه رفت.